

تپ‌شناسی معلم

اکرم سلیمانی زاده*

و دانش آموز به ندرت مجاز است؛ حتی تعلیم موضوعات انتزاعی مانند ریاضیات، باید با حالات عاطفی دانش آموز هماهنگی داشته باشد، و گرنه دانش آموز چیزی نخواهد آموخت. علت اساسی موفق نبودن بسیاری از معلمان در تدریس درس ریاضیات این است که آنان به امیال و عواطف شاگردان اعتنا نمی‌کنند و در نتیجه درس برای بچه‌ها خشک و دشوار به نظر می‌رسد. در درس‌های دیگر مثلاً آموزش زبان هم این اصل حاکم است. تنها دانشمندی معلم به شمار می‌رود که لزوم رعایت مشخصات عاطفی و عقلی و عملی دانش‌آموزان را در فراگرفتن دانش دریابد و مانند آن‌ها احساس و ادراک کند و هنگام تدریس درس‌ها، عاطفه و میل نشان دهد. معلمی که فقط به درس دادن اکتفا کند و با شاگردان هیچ رابطه‌ی عاطفی نداشته باشد، چه در دبستان و چه در دبیرستان، تأثیری سطحی خواهد داشت. برقراری رابطه‌ی عاطفی با دانش‌آموزان به روش‌های گوناگون میسر است و چگونگی آن به ممیزات روحی معلم بستگی دارد و لزوم بررسی تپ‌شناسی معلم از این جاست. در ادامه، به بیان انواع تپ‌شناسی معلم و بررسی مواردی از آن همراه با مثال شاهد می‌پردازیم:

انواع تپ‌شناسی معلم

۱. تپ‌درس‌نگر: معلمانی که بیشتر به تعلیم مواد درسی یا انتقال دانش توجه دارند و رشد و شخصیت دانش‌آموزان را بدان پایه مورد تأکید قرار نمی‌دهند، «تپ‌درس‌نگر» خوانده می‌شوند. این گروه به دو تپ کوچک‌تر نیز تقسیم می‌شود: الف) تپیی که «رغبت فلسفی» دارد؛ ب) تپیی که «رغبت علمی» دارد. برای گروه اول تفکرات فلسفی و ساختن نظریه‌های کلی، هدف آموزش و پرورش است، ولی اعضای تپیی که رغبت علمی دارند، معلمانی هستند که به یک رشته و یا رشته‌های معینی از علوم و فنون مانند علم فیزیک و ریاضیات و زبان‌های قدیم و جدید و زمین‌شناسی علاقه‌ی فراوان دارند و مایل‌اند در رشته‌های تدریس خود تبحر فراوان به دست آورند. اینان به سبب اطلاعات دامنه‌داری که دارند و به دانش‌آموزان می‌دهند، کلاس درس را به خود متوجه می‌کنند. تأثیری که معلمان درس‌نگر در دانش‌آموزان می‌گذارند، ناشی از شخصیت آنان نیست، بلکه زاده‌ی درس‌هایی است که می‌دهند. چنین تأثیری معمولاً تأثیری تعلیمی است نه تربیتی. با این وصف، به طور غیرمستقیم، بر دانش‌آموزان تأثیر تربیتی می‌گذارند. همان‌طور که معلمان درس‌نگر فلسفی به مدد وحدت و قوت شخصیت خود در شاگردان نفوذ می‌کنند و با

این که معلم چه شیوه‌هایی را برای برقرار رابطه‌ی عاطفی و ایجاد صلاحیت‌های عاطفی در پیش بگیرد، لازم‌آش پرداختن به مبحث تپ‌شناسی معلم است.

به طور کلی باید دانست که معلمان با وجود برنامه‌های ثابت و روش‌های مقرر تربیتی، در صحنه‌ی عمل دقیقاً از نظریه‌ها و دستورهای آموزش و پرورش پیروی نمی‌کنند. بلکه هر یک از آنان مطابق چگونگی ساختمان روانی و مقتضیات شخصیتی خود، در جریان کار آموزش و پرورش به دخل و تصرف می‌پردازند. از این رو همان قدر که رعایت نظریه‌های تربیتی اهمیت دارد، توجه به روان‌شناسی معلم و به ویژه شخصیت او مهم و مؤثر است. انتقال محض دانش بدون رابطه‌ی درونی و عاطفی بین معلم



آن‌ها رابطه‌ی عاطفی برقرار می‌کنند، معلمان درس‌نگر علمی به علت وسعت اطلاعات خود مؤثر واقع می‌شوند و برای جذب دانش‌آموزان، پیوند عاطفی را هم در تدریس لحاظ می‌کنند. به طور کلی، معلمان درس‌نگر چه از گروه فلسفی‌نگر و چه از گروه علمی‌نگر، اگر مقتضیات پرورشی را تا اندازه‌ای رعایت کنند، می‌توانند معلمان برجسته و مفیدی برای دبیرستان‌ها باشند و با برقراری یک رابطه‌ی عاطفی، تأثیرات مثبتی بر شاگردان خود بگذارند. ولی اگر یکسره از موازین تربیتی و پرورشی غفلت ورزند و فقط به خوب درس دادن توجه داشته باشند، معلمان زبان‌بخشی خواهند بود.

۲. تیپ کودک‌نگر (دانش‌آموز محور): در مقابل تیپ درس‌نگر که به جنبه‌ی عینی و تعلیمی تأکید بسیار دارد، «تیپ دانش‌آموز محور» قرار دارد. این تیپ بیشتر به شخص و رشد ذهنی توجه و اعتنا دارد و تدریس مواد درسی و انتقال دانش را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌دهد. اعضای این تیپ به پرورش انسان‌های جوان شوق فراوان دارند، چنان‌که اعضای «تیپ درس‌نگر» به آموزش بیشتر راغب‌اند. تیپ دانش‌آموز محور را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) تپیی که به مختصات «روانی فردی» تکیه می‌کند. اعضای این گروه به هر یک از دانش‌آموزان به طور جداگانه اعتنا و علاقه نشان می‌دهند و می‌خواهند یکایک دانش‌آموزان خود را تا سرحد امکان بشناسند و سعی می‌کنند هر دانش‌آموزی را با تمام نواقص او دریابند و با هم‌دردی و مساعدت صمیمانه‌ی خود، اعتماد او را جلب کنند. اینان شخصیت هر دانش‌آموزی را گرامی می‌دارند و از طریق پیوند عاطفی، رشد و پرورش او را تسهیل می‌کنند. رعایت شخصیت دانش‌آموزان، محور فعالیت‌هایی است که برای تربیت دانش‌آموزان صورت می‌دهند. در عین حال، هر معلمی که دانش‌آموز محور است، بهتر است تا اندازه‌ای از خصوصیات تیپ مخالف خود، یعنی تیپ درس‌نگر نیز بهره‌گیری. زیرا بدون دانش نمی‌توان شخصیتی درخشان داشت و شخصیت دیگران را نیز ساخت.

ب) گروهی که به جمع نظر دارد و بر «مشترکات روانی جمع» تأکید می‌کند. اینان به روان‌شناسی عمومی توجه خاص دارند. فرد دانش‌آموز را محور آموزش و پرورش نمی‌دانند، بلکه پرورش و پیشرفت کلی همه‌ی اعضای کلاس را هدف خود قرار می‌دهند. از این رو، اصول عمومی روان‌شناسی کودکان و نوجوانان، همواره مورد اعتنای ایشان واقع می‌شود. ایشان می‌خواهند بدانند که چگونه می‌توان ناخرسندی‌های دانش‌آموزان را برطرف کرد؛ چگونه می‌توان آنان را پاک و درست‌کار بار آورد و دانش‌آموزان را به یادگیری درس‌ها علاقه‌مند ساخت و نیز می‌خواهند بدانند چگونه مفاهیم ذهنی تشکیل می‌شود و چگونه ذهن نوجوان کار می‌کند. آن‌ها در نهایت می‌توانند با اطلاعاتی که از روان‌شناسی افراد به دست می‌آورند، با دانش‌آموزان خود، رابطه‌ی عاطفی و صمیمی برقرار کنند.

۳. تیپ اقتدار طلب: از لحاظ آموزش و پرورش، دانش‌آموز در جریان زندگی خود با انواع گوناگون اقتدار، از جمله اقتدار معلم روبه‌رو می‌شود. معلمان اقتدار طلب کسانی هستند که به تسلط بر دیگران رغبت دارند و می‌خواهند همه چیز مطابق اراده‌ی آنان بگردد و از این رو در جزئیات تدریس و رفتار دانش‌آموزان مداخله می‌کنند. با این همه نباید چنین پنداشت

که این‌گونه معلمان برای اعمال قدرت و تسلط خود به فشار و زور متوسل می‌شوند. معمولاً قدرت آنان به وجهی پدرانه یا مادرانه است و رهبری تسلط‌آمیز آنان می‌تواند از لحاظ آموزش و پرورش بسیار موفقیت‌آمیز باشد. به عبارت دیگر، مفهوم اقتدار، متضمن هیچ‌گونه ارزش مثبت یا منفی یا سود و زیان نیست، به این معنی که رفتار مقتدرانه هم می‌تواند مفید واقع شود و هم مضر. اگر به تاریخ آموزش و پرورش نظری بیفکنیم، می‌بینیم که معلمان «اقتدار طلب» بزرگی وجود داشته‌اند و چنین معلمانی توانسته‌اند با شخصیت نافذ خود و اندکی محبت و ظرافت و خوش ذوقی، با دانش‌آموز خود رابطه‌ی عاطفی برقرار کنند و تأثیرات مثبتی در شاگردان آنان باقی گذارند.

۴. تیپ رفاقت طلب: در مقابل تیپ اقتدار طلب «تیپ رفاقت طلب» قرار دارد. اعضای «تیپ رفاقت طلب» از امر و نهی و رهبری صریح چشم می‌پوشند. آن‌ها دانش‌آموزان را از آزادی فراوان برخوردار می‌سازند و به آنان مجال می‌دهند تا خود مسائل گوناگون را دریابند و تصمیم بگیرند. معلمان رفاقت طلب در بند جلب احترام نیستند و بیشتر با محبت حکومت می‌کنند و سخت‌گیری را خوش ندراند. موفقیت آنان در این است که با رفتار ساده‌ی خود به شخصیت دانش‌آموزان امکان تجلی می‌دهند و باعث می‌شوند آنان خود را مسئول و مستقل احساس کنند. رفتار رفاقت طلبانه‌ی این گروه را نباید با رفتار اعضای تیپ دانش‌آموز محور اشتباه کرد. باید دانست که هم «تیپ دانش‌آموز محور اقتدار طلب» و هم «تیپ درس‌نگر رفاقت طلب» یافت می‌شود.

«تیپ دانش‌آموز محور» در درجه‌ی اول بیشتر به خود کودک توجه دارد، در صورتی که «تیپ رفاقت طلب» بیشتر به چگونگی روابط خود با دانش‌آموز اعتنا می‌کند. وجه مشخص «تیپ رفاقت طلب»، نداشتن انگیزه‌ی تشخیص طلبی است و همین ویژگی او باعث می‌شود که با دانش‌آموزان خود صمیمی‌تر باشند و پیوند عاطفی برقرار کنند. هم‌چنین، بیشتر معلمان دانش‌آموز محور از تیپ رفاقت طلب و نوع دوست هستند. ولی قانونی کلی در این زمینه وجود ندارد.

نکته‌ی در خور اعتنای بسیار، این است که معلم، خواه «دانش‌آموز محور» باشد، خواه «درس‌نگر»، خواه «رفاقت‌طلب» باشد خواه «اقتدار طلب»، اگر شخصیتی نیرومند نداشته باشد، ممکن است از عهده‌ی تربیت صحیح دانش‌آموزان بر نیاید و از جنبه‌های مثبت تیپ خود نیز فایده‌ای نرساند. بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، در هر یک از تیپ‌هایی که معرفی شد، هم معلم موفق و هم معلم ناموفق وجود دارد. معلم موفق کسی است که صفات تیپ متضاد خود را تا اندازه‌ای به خود بگیرد و مخصوصاً بکوشد که مختصات کلی تیپ درس‌نگر و دانش‌آموز محور را در خود گرد آورد. هر یک از تیپ‌های گوناگون معلم، همه‌ی روش‌های متعدد تدریس (روش سخن‌رانی و روش سؤال و جواب، روش علمی، روش فردی و روش گروهی) را در اختیار دارند و هر یک باید موافق حال خود، آزادانه یکی از این روش‌ها را برگزینند. از طرف دیگر، این هم مسلم است که هیچ‌یک از روش‌های تدریس از یکدیگر مستقل و بی‌نیاز نیست. ●

منبع

مصطفوی رجایی، سیمین (۱۳۶۸). روان‌شناسی معلم. بی‌جا.



علی اشرف قمری
مهران
(۱۳۴۴)

مریی پرورشی، اهل قلم، همدان

مدرک مدیریت آموزشی دارد و در شهر همدان فعالیت می‌کند. تأسیس کتاب‌خانه‌ی فجر صالح آباد و ماهنامه‌ی فرهنگ تربیت از اقدامات این مریی پرورشی موفق و محبوب همدانی است. از آثار اوست: سیری در سیره‌ی نظری و عملی پیامبر(ص) در قرآن، سیری در سیره‌ی نظری و عملی پیامبر در نهج‌البلاغه.